

آرمان شهر در اندیشه یک متفکر عثمانی: بررسی رؤیا اثر نامق کمال

این که می‌بینم به بیداری است یارب یا به خواب
خوشتن را در چنین نعمت پس از چندین عذاب
(انوری)

توران طولابی^۱

چکیده: قرار گرفتن عثمانی در سرآشوب ضعف و انحطاط، تکاپویی را در میان طیفی از متفکران تجددگرای ترک برانگیخت که هدف آن یافتن راهکاری برای عبور از وضعیت بحرانی بود. نتیجه این تکاپو، تحقق مقاطع چندگانه اصلاحات و ظهور جریان فکری نو عثمانیان بود. نو عثمانیان از قالب‌های نوشتاری متنوع و عمدتاً تازه‌ای بهره گرفتند، تا مفاهیم جدید را در ادبیات سیاسی عثمانی طرح کنند. رؤیانگاری از جمله این قالب‌ها بود. نامق کمال از متفکران پیشگام عثمانی که با نگارش آثار مختلف نقش پیشرویی در طرح مفاهیم جدید داشت، از جمله نگارندگان این گونه آثار بود. رؤیای نامق کمال را می‌توان بیانی از دغدغه او درباره مسائلی دانست که عثمانی گرفتار آن بود. نویسنده در این اثر از یک سو تصویری از سپهر سیاسی عثمانی در روزگار خود ارائه می‌دهد و از سوی دیگر بر ضرورت نجات «وطن» و مسئله آزادی تأکید می‌کند. رؤیا اثری تمثیلی است که در آن نامق کمال نخست از زبان «فرشته حریت» با بیانی حزن‌انگیز موقعیت بحرانی عثمانی را شرح می‌دهد و سپس به تصویر آرمان شهری می‌پردازد که برای عثمانی در ذهن دارد. نامق کمال دغدغه‌های متجددانه خود را به علت تنگای زمانه در آرمان شهری بازتاب می‌دهد که نه در دوره او و نه در آغازین سال‌های حضور ترکان جوان در ساختار سیاسی عثمانی محقق نشد و در نهایت با ظهور ترکیه جدید فصل نویی از تاریخ ترک‌ها رقم خورد.

واژه‌های کلیدی: عثمانی، تجدد، نو عثمانیان، نامق کمال، رؤیا، آرمان شهر

Utopia* in the Thought of an Ottoman Modernist Thinker: A Study of Namık Kemal's *Rüya

Tooran Toolabi¹

Abstract: The fall of Ottoman Empire in 19th century led a number of Ottoman thinkers to contemplate about its reasons. Among these thinkers, Namık Kemal was a prominent figure who wrote enormously on the problem of Ottoman crisis and necessity of reform. This paper deals with a less-studied aspect of Ottoman modernist thought which is reflected in one of Kemal's works. Of numerous works by Kemal which are written in different style and genres, his *Rüya* (i.e. dream) has received less academic attention. In this work, he has dreamed of a utopian world in which the ideal society he wished came true. Indeed, *Rüya* represents an aspect of Kemal's romantic approach to the problem of modernity in Ottoman society. In this work, Kemal used an allegorical narrative to introduce the concept of "Hürriyet" (freedom) to a traditional society and to explain his patriotic ideas about the critical situation of his homeland. A critical examination of this work might be helpful to understand some of the challenges that modernist thinkers such as Namık Kemal should deal with. Meanwhile, it could help us to achieve a better understanding of the thought of a prominent thinker who played a crucial role in the process of Ottoman modernization.

Keywords: Ottoman Empire, Namık Kemal, Utopia, Modernity, Young Ottomans

1 Assistant Professor of History, University of Lorestan

toolabi.t@lu.ac.ir

مقدمه

نیمه دوم قرن سیزدهم قمری/نوزدهم میلادی برای عثمانی آستان حوادث مهمی بود. صدور خط شریف گلخانه در سال ۱۸۳۹م. زنگ آغاز عصر تنظیمات را به صدا درآورد و اصلاحات را به مرحله جدیدی وارد کرد. با این همه، تحول اساسی در حیات فکری عثمانی در نیمه دوم قرن و با ظهور نوعثمانیان اتفاق افتاد. در این فضای پرتکاپو، گونه‌های مختلف ادبی هم ظهور کرد که تصویرگر این تحول بود. رؤیانویسی یکی از این گونه‌های ادبی و در نوع خود کم سابقه بود. نامق کمال و ضیاء پاشا از مصلحان برجسته عثمانی در دوره سلطان عبدالعزیز با نوشتن آثاری در قالب رؤیانگاری این گونه را به ادبیات جدید ترک افزودند. در این پژوهش بر آن هستیم تا به بررسی رؤیای نامق کمال و وجوه بارز آن بپردازیم. در تحقیقاتی که با محوریت تاریخ عثمانی به زبان فارسی نوشته و یا ترجمه شده، زندگی، آثار و اندیشه نوعثمانیان و به طور مشخص نامق کمال در حاشیه موضوعاتی کلی‌تر بررسی شده است؛^۱ اما در قالب پژوهش مستقلی بروز نیافته است. وانگهی، در هیچ کدام از این پژوهش‌ها به رؤیای نامق کمال اشاره‌ای نشده است. برنارد لوئیس در ظهور ترکیه جدید اشاره گذرایی به رؤیای ضیاء پاشا دارد، اما نامی از اثر نامق کمال با همین نام نبرده است.^۲ در مجموع، بررسی جریان نوعثمانیان و تفکر آنان در قالب پژوهش مستقل مغفول مانده و سهم رؤیای نامق کمال از این غفلت بیشتر بوده است.

در میان پژوهش‌هایی که به زبان‌های دیگر انجام شده است نوعثمانیان و به صورت مشخص نامق کمال همواره در کانون توجه بوده‌اند. نقش بی‌بدیل نامق کمال در حوزه‌هایی چون روزنامه‌نگاری، رمان و نمایش‌نامه‌نویسی سبب شده است تا این متفکر در آثار پژوهشی با محوریت ادبیات جدید ترک جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. با این حال، در این تحقیقات نیز اهمیت رؤیا در سایه دیگر آثار این متفکر مغفول مانده است. شریف ماردین در تک‌نگاری

۱ رحیم رئیس‌نیا گزارش مجملی از نوعثمانیان و آثار و اندیشه نامق کمال آورده است: رحیم رئیس‌نیا (۱۳۷۴)، *ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم*، ج ۱، تهران: انتشارات ستوده، صص ۱۱۴-۱۲۳ و ج ۳، صص ۱۲۷-۱۵۵؛ استانفورد شاو و ازل کورال شاو نیز در بخشی با عنوان «روشنفکران جدید» به نوعثمانیان پرداخته‌اند: استانفورد جی. شاو و ازل کورال شاو (۱۳۷۵)، *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید*، ترجمه محمود رمضان‌زاده، ج ۲، مشهد: آستان قدس رضوی، صص ۲۲۵-۲۳۳. نیز نک: حسن حضرتی (۱۳۸۹)، *مشروطه عثمانی*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، صص ۱۴۶-۱۵۷.

۲ برنارد لوئیس (۱۳۸۱)، *ظهور ترکیه نوین*، ترجمه محسن‌علی سبحانی، تهران: اطلاعات، ص ۱۸۶.

ممتازی که دربارهٔ نوعثمانیان و با تکیه بر مهم‌ترین آثار آنها به رشتهٔ تحریر کشیده است^۱ به‌رغم بررسی وجوه مختلف اندیشه‌ای نامق کمال اشاره‌ای به رؤیا ندارد. این اثر در میان پژوهش‌های ترکی به‌صورت مستقل موضوع دو مقاله بوده است. حسن یۆرک^۲ در مقاله‌ای به معرفی رؤیاهای نامق کمال و اثر ضیاء‌پاشا با همین عنوان پرداخته است. اما بخش اندکی از این مقاله به رؤیای نامق کمال اختصاص یافته و نویسنده در آن به‌صورت مختصر وجوه کلی این اثر را بیان کرده است. باغجی^۳ هم در مقاله‌ای ضمن معرفی مشخصه‌های کلی رؤیای نامق کمال متن آن را ضمیمهٔ مقاله خود کرده است. با در نظر گرفتن این پیشینه، در پژوهش پیش رو تلاش شده است تا آرای سیاسی نامق کمال و آرمان‌شهری که وی آرزوی تحقق‌اش را برای عثمانی داشت با تکیه بر رؤیا بررسی و تحلیل شود. بررسی این اثر از منظری تحلیلی و بر اساس طرح مذکور نشان می‌دهد که نامق کمال تلاش کرده است با توسل به خواب‌گونه‌ای هم زبان گویای واقعیات جامعه باشد و هم آرمان‌شهر خود را در جهان خیالی محقق کند؛ آرمان‌شهری که در واقعیت امکان تحقق آن رؤیایی بیش نبود. این اثر را می‌توان تبلور اندیشهٔ نامق کمال در دو مرحله دانست؛ مرحلهٔ نخست تبلور عصیان نامق کمال در برابر ساختار قدرت و جامعهٔ عثمانی عصر خویش است. خمودگی و میل به گذشته به‌جای آینده مشخصهٔ بارز این جامعه است و نامق کمال با لحنی عتاب‌آلود از زبان شخصیتی نمادین با نام «فرشتهٔ حریت» بر آن می‌شورد. در مرحلهٔ دوم تلاطم قلم نامق کمال فرو می‌نشیند و جای آن را آرمان‌شهری می‌گیرد که رؤیای او برای عثمانی بحران‌زده است. در این آرمان‌شهر از یک سو جلوه‌های ذهنی و اندیشه‌ای تجدد چون آزادی، عدالت و وطن بروز می‌یابد و از سوی دیگر جلوه‌های عینی تجدد همانند توسعهٔ راه‌آهن، گسترش نظام آموزشی، تلگراف و دیگر ایده‌آل‌های عینی متبلور می‌شود.

زمینهٔ تاریخی

برآمدن سلطنت عثمانی از بستر امارت‌های پراکنده در آسیای صغیر و گذار به دولتی بزرگ، زمینهٔ مساعدی را برای تبدیل آن به یک قدرت سیاسی و اقتصادی مسلمان فراهم کرد.^۴ اما به

1 Mardin, Şerif (2000), *The genesis of Young Ottoman thought*, Syracuse University Press, pp. 283-336.

2 Yürek, Hasan (Kış 2013), "Namık Kemal ve Ziya Paşanın Rüiyaları", *Türk Dünyası İncelemeleri Dergisi*, XIII/2, s. 249-263.

3 Bağcı, Sena Tekin (Temmuz-Aralık 2012), "Namık Kemal'in Rüyası", *Hikmet Yurdu*, Yıl: 5, Sayı: 2010/2, ss. 275-300.

۴ دربارهٔ زمینهٔ تاریخی ظهور حکومت عثمانی تحقیقات زیادی به زبان فارسی در دسترس است. از آن میان نک: شاول،

مرور و در پی افول اختر امپراتوری‌های توپخانه‌ای در سایه انقلاب‌های علمی و فنی، ستاره اقبال عثمانی نیز در نشیب زوال افتاد. جلوه بیرونی این افول شکست‌های نظامی پی در پی و انزوای عثمانی در صحنه بین‌المللی بود.^۱ شرایط ویژه عثمانی و هراس قدرت‌های اروپایی از پیامدهای فروپاشی و تجزیه آن، سرنوشت آن را در کانون توجه محافل دیپلماتیک قرار داد و از درون این وضعیت «مسئله شرق» زاده شد. تعبیر کنایه‌آمیز «مرد بیمار» که در سده نوزدهم برای عثمانی شهرت یافت، بیانی از سردرگمی روسیه و رقبای اروپایی در قبال وضعیت منحط این دولت روبه زوال بود.^۲ در این شرایط، بخت با سلطان یار بود که نگرانی از تقویت موضع روسیه و اتریش در اروپای شرقی و بالکان و از میان رفتن توازن قوای شکننده در عرصه اروپا، بریتانیا و فرانسه را واداشت تا در بحرانی که عثمانی پیر را گرفتار کرده بود در کنار سلطان قرار گیرند. حمایت بریتانیا و فرانسه از عثمانی در جنگ‌های کریمه جلوه‌ای از این واقعیت بود. با این همه، هر دو قدرت خواستار انجام اصلاحات در عثمانی بودند تا حیات آن را دست‌کم تا زمانی که وضعیت مساعدتری در حوزه راهبردی مدیترانه و دریای سیاه فراهم شود، تضمین کنند. همزمان ترکیبی از عوامل بحران‌زای داخلی و پیچیدگی‌های دیپلماسی بین‌المللی طیفی از صاحبان قدرت و متفکران عثمانی را به تأمل درباره راهکار برون‌رفت از بحران واداشت. این راهکار در قالب مجموعه اصلاحاتی جلوه یافت که از دوره سلطان سلیم سوم تا ظهور ترکیه جدید ادامه یافت.^۳ رهاورد این اصلاحات ظهور نسلی از متفکران تجددگرا بود که به تأمل در مسئله انحطاط عثمانی و راهکارهای برون‌رفت از آن پرداختند.

از عصر تنظیمات به بعد وضعیت پیچیده‌ای در عثمانی رقم خورد که نشانه‌های زوال آن

همان، ج ۱، صص ۳۹-۱۰۵؛ برنارد لوئیس (۱۳۸۱)، *خاورمیانه*، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نشر نی، صص ۱۱۴-۱۳۴؛ خلیل اینالجیق (۱۳۸۸)، *امپراتوری عثمانی*، عصر متقدم ۱۳۰۰ تا ۱۶۰۰، ترجمه کیومرث قرقلو، تهران: انتشارات بصیرت، صص ۲۱-۷۲؛

۱ برای آگاهی از این عهدنامه‌ها نک: هامر پورگشتال (۱۳۶۹)، ترجمه میرزاکی علی‌آبادی، به اهتمام جمشید کیان‌فر، ج ۵، تهران: انتشارات زرین، صص. ۳۶۱۵، ۳۶۱۸، لوئیس، ظهور ترکیه جدید، ص ۴۵.

۲ لرد کین راس (۱۳۷۳)، *قرون عثمانی*، ترجمه پروانه ستاری، تهران: انتشارات کهکشان، صص ۴۹۹-۵۰۰، ۶۱۹؛ شاو، همان، ص ۲۳۶.

3 Davison, Roderic H. (1963), *Reform in Ottoman Empire (1856-1876)*, Princeton University Press, pp. 16-22.

نیز نک: رودریک دیویسون، «آموزش غربی در ترکیه عثمانی» در: خلیل اینالجیق و محمد سیددانی اوغلو (۱۳۹۱)، *امپراتوری عثمانی در عصر دگرگونی تنظیمات*، ترجمه رسول عربخانی، تهران: انتشارات پژوهشکده تاریخ اسلام، ص ۵۴۹.

را بیشتر هویدا کرد.^۱ در شرایطی که عثمانی گرفتار بحران‌های اقتصادی و سیاسی بود، تمایلات ملی‌گرایانه متأثر از انقلاب فرانسه در میان قومیت‌های متفاوت عثمانی گسترش یافت. همچنین جنبش‌های داخلی، به‌ویژه در حوزه بالکان که عمدتاً سوبه‌ای استقلال‌خواهانه داشتند و جنگ‌های خارجی که عمدتاً با روسیه رخ می‌داد، به این بحران اقتصادی دامن زد و عثمانی را در وضعیت نامطلوبی قرار داد. کاپیتولاسیون و پیامدهای ناشی از آن چون تبعات مالی و اقتصادی و دخالت اروپاییان، رکود صنایع داخلی و کشاورزی نیز اعتراضات داخلی را به دنبال داشت.^۲ بحران مالی استقراض‌های مکرری برای عثمانی به همراه داشت که با انتقادهای جدی هم مواجه شد.^۳ گلایه از وضعیت صنعت و تجارت حسرت بازگشت به دوره پیش از این بحران‌ها را به همراه داشت.^۴ همین سبب شد سخن گفتن از صنعت غرب و ضرورت الهام از آن به مثابه الگویی موفق در صدر نگرش انتقادی متفکران قرار بگیرد.^۵ بر مشکلات اقتصادی می‌توان ناکارآمدی ساختار قدرت را هم افزود که تسلط فسادهایی از اطراف به سلطان را هم در پی داشت.^۶

مفاهیم جدید نخستین بار به‌صورت نظام‌مند در آرای نوع‌نمندان مطرح شد و زمینه مساعدی برای جنبش‌های سیاسی-فکری بعدی یعنی جنبش ترکان جوان فراهم آورد که در نهایت به ظهور ترکیه جدید انجامید. شکل‌گیری جریان فکری نوع‌نمندان از سویی برآیند برخورد انتقادی با غرب و اصلاحات عصر تنظیمات به‌ویژه در زمینه آموزش و از سوی دیگر واکنشی به بحران فراگیر عثمانی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی بود. این جنبش به

۱ لوئیس، ظهور ترکیه جدید، ص ۲۳۴.

2 Karpat, Kemal (2002). *Studies on Ottoman social and political history: selected articles and essays*, Brill, pp. 51-52, Davison, op. cit., p. 261; "Texte de la lettre adressée à S.M le Sultan par S. M. le prince Moustapha Fazil - Pacha écrite en Mars 1867" [Voir Marcel Colombe, "Une lettre d'un prince égyptien du XIXe siècle au Sultan Ottoman Abd al Aziz" *Orient* 5 (1958): 23-38], p. 4; Siler, Abdurrahman, "Namık Kemal'in iktisadi görüşleri", *Türkler Ansiklopedisi*, Cilt.14 s. 662.

علی سعاوی در مجموعه مقالاتی با عنوان «امراض داخلیه» از وضعیت بحرانی عثمانی زبان به گله گشود، نک: «امراض داخلیه»، مخبر غزته‌سی، نسخه ۱۹.

3 Karal, *Osmanlı tarihi*, VII. Cilt, ss. 300-301; Çadırcı, Musa (1991), "Namık Kemal'in sosyal ve ekonomik görüşleri", *OTAM (Ankara Üniversitesi Osmanlı Tarihi Araştırma ve Uygulama Merkezi Dergisi)*, sayı 2, Ankara, ss. 47-48.

4 Kemal, Namık, "Sanat ve ticaretimiz", *İbret gazetesi*, No. 57, 19 Ramazan 1289/8 Teşrin-i sani 1288, s. 279.

5 Kemal, Namık, "İbret", *İbret gazetesi*, No. 3, 11 Rebiulahir 1289/5 Haziran 1288, ss. 48-49; a.g. . "Terakki", *İbret gazetesi*, no. 45, 3 Ramazan 1289/23 teşrin-i evvel 1288, s. 216.

6 Karal, *Osmanlı tarihi*, VII. Cilt, s. 304, "Texte de la lettre adressée..." , p. 4.

همت متفکران تجددخواهی چون نامق کمال، ابراهیم شناسی،^۱ ضیاء بی^۲ و علی سعاوی و با حمایت مصطفی فاضل پاشا، شاهزاده ناراضی مصری به صورت نخستین جریان روشنفکری عثمانی پا گرفت. در میان نو عثمانیان، نامق کمال جدی‌ترین متفکری بود که توانست در قالب گونه‌های نوشتاری متنوع چون روزنامه، نمایش‌نامه، رمان و شعر تعریف نظام‌مندی از آرای نوگرایانه خویش ارائه دهد.

زندگی و زمانه نامق کمال

درست یک سال پس از صدور خط شریف گلخانه، یعنی در ۲۱ دسامبر ۱۸۴۰م/۲۶ شوال ۱۲۵۶ق محمد نامق در تکیرداغ دیده به جهان گشود.^۳ تولد در خاندانی دیوانی و مرتبط با ساختار قدرت عثمانی زمینه‌ای فراهم کرد تا او از همان آغاز بخت آموزش در سطوح بالا را داشته باشد. نیای پدری‌اش از ملازمان دربار سلطان سلیم سوم بود و نسبش به توپال عثمان پاشا می‌رسید که در جریان جنگ‌های ایران و عثمانی در سده دوازدهم قمری/هجدهم میلادی یکی از فرماندهان ارشد نیروهای عثمانی بود.^۴ فضائل پدربزرگش او را ممدوح شاعران افیون کرده بود؛ شهری که ظاهراً نامق کمال در آنجا زبان فارسی و عربی آموخت. پدرش، مصطفی عاصم بی، آثار منظومی در تاریخ، عرفان و نجوم داشت.^۵ آشنایی پدرش با این علم او را به جایگاه منجم مقرب دربار و مأمور تعیین ساعت سعد جلوس عبدالعزیز در سال ۱۸۶۱م. رساند.^۶

پرورش در خانواده‌ای با این پیشینه فرصت مغتنمی در اختیار نامق کمال نهاد تا به دربار سلطان راه گشاید و در «اتاق ترجمه» مشغول شود. این موقعیت به نوبه خود زمینه‌ساز آشنایی

۱ برای آگاهی درباره ابراهیم شناسی بنگرید به:

Ömer Faruk Akün, "Şinasi", *İA (İslam Ansiklopedisi)*, c.11, ss. 545-553, Mardin, op. cit, pp. 252-275, Necdet Hayta (2002). *Tasvir-i Efkâr Gazetesi*, Ankara: T. T. K (TürkTarih Kürümü), birinci baskı, ss. 5-13.

۲ برای آگاهی از زندگی و آثار ضیاء پاشا بنگرید به:

Sançar, Nejdēt, "Ziya Paşa'nın eserleri ve eserlerinin çeşitli basımları", *Türk Kütüphaneciler Derneği Bülteni*, Cilt. 7, sayı 1, ss. 1-14.

3 Mardin, op. cit. 284.

۴ محمد کاظم مروی (۱۳۷۴)، *عالم‌آرای نادری*، تصحیح محمدمامین ریاحی، ج ۱، تهران: انتشارات علمی، نشر علم، صص ۲۷۶، ۲۸۲، ۲۸۷، *Middle Eastern Studies*, Menemencioğlu, Nermin, Namık Kemal abroad: A Centenry, *Middle Eastern Studies*, ۲۸۷، ۲۸۲، ۲۷۶

Vol. 4, No. 1 (Oct., 1967), p. 30

5 Tansel, F.A. "Mehmet Namık Kemal", *EI2*, Vol. p. 875.

6 Mardin, op.cit, p. 284.

او با فرهنگ غرب و آثار نویسندگان و متفکران فرانسوی شد.^۱ همکاری نامق کمال با روزنامه تصویر افکار به مدیریت ابراهیم شناسی دوره جدیدی از حیات فرهنگی او را رقم زد که در شکل‌گیری افق فکری‌اش تأثیرگذار بود.^۲ بروز نخستین جلوه‌های انتقادی اندیشه نامق کمال از این مقطع به بعد واکنش ساختار محافظه‌کار قدرت را در پی داشت. تدبیر مخالفان وی برای کاستن از وزنه انتقادی‌اش، در این مقطع به صورت اعطای منصب معاونت حاکم ارزروم به وی جلوه یافت.^۳ اما نامق کمال آن عطیه اجباری را نپذیرفت و در عوض راه فرنگ در پیش گرفت و در لندن به همراه برخی دیگر از نوجوانان روزنامه حریت را منتشر کرد.

نامق پس از مدتی فضا را برای بازگشت به استانبول مساعد یافت. تداوم پویش‌های انتقادی او در روزنامه عبرت و انتشار نمایشنامه وطن یا خود سیلیستره^۴ بار دیگر واکنش دولت عثمانی را در پی داشت که به تبعید او به جزیره‌ای در قبرس انجامید.^۵ اما تبعید نیز از جوش و خروش فکری و سرشت انتقادی نگرش نامق کمال نکاست و رؤیا محض این دوره زمانی حیات اوست. رهاورد برخورد جدی با غرب در دوره تنظیمات تحول در درون‌مایه و گونه‌های تاریخی-ادبی بود که پیش‌تر سابقه نداشت. بر گونه‌های جدید متأثر از تاریخ‌نگاری غربی چون خاطرات، سکه‌شناسی و دانشنامه‌نگاری،^۶ گونه‌های کمتر شناخته‌شده‌ای چون «رؤیانگاری» را باید افزود که در نیمه دوم قرن نوزدهم با تقریر آثاری از سوی ضیاء پاشا و نامق کمال برای نقد ساختار قدرت و طرح مفاهیم جدید ظهور کرد. نامق کمال توانست با این اثر به گونه جدید ادبی پروبال دهد که پیش‌تر دست‌کم در این قامت وجود نداشت.

پرده نخست: سرآغاز رؤیا

در شامگاه چهاردهم صفر ۱۲۸۹ق/ ۲۴ نisan ۱۸۷۲م نامق کمال در حالی که به افق دریا چشم دوخته است به فکر فرو می‌رود و به وضعیت و سرنوشت سرزمین مادری‌اش می‌اندیشد. اثر با

1 Menemencioglu, p. 31, Mardin, op.cit, p. 285.

2 Tansel, F.A. op.cit. pp. 875-877.

3 Guida, Michelangelo (2011), "Al-Afghani and Namık Kemal's Replies to Ernest Renan: Two Anti-Westernist Works in the Formative Stage of Islamist Thought", *TJP (Turkish Journal of Politics)*, Vol. 2. No. 2. Winter 2011, p. 66.

4 Vatan yahut Silistre

5 Tansel, F.A. op. cit. p. 876.

نیز نک:

6 Tevfik, Ebüzziya, "Yeni Osmanlılar tarih'den", ss. 600-601, in: *Yeni Türk Edebiyatı Antolojisi II...* ۶ ارجمند کوران (۱۳۹۱)، «تاریخ‌نگاری عثمانی در دوره تنظیمات» در: *تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی*، ترجمه و تدوین از نصرالله صالحی، تهران: انتشارات پژوهشکده تاریخ اسلام، صص ۲۵۳-۲۵۵.

ترسیم سیمایی حزن‌انگیز و شاعرانه از آن موقعیت آغاز می‌شود. نامق کمال را می‌توان متفکری با قلمی محزون و پرشور دانست، اما ظاهراً دل‌تنگی تبعید هم مزید بر علت شده بود تا او را که در شعر و ادبیات هم زبردست است وادارد این اثر را با لحنی ادیبانه و محزون آغاز کند. در ادامه پس از لختی اندیشه و توصیف برخی مصائب چشم‌هایش سنگینی می‌کند و به خواب فرو می‌رود.^۱ نویسنده در جهان رؤیا از جهانی که در تحققش در واقعیت ممکن نیست فاصله می‌گیرد و تمنیات خود را در قالب خواب بروز می‌دهد. بی‌سبب نیست که آرزو می‌کند «هزار حقیقت» و «یک عمر انسان» قربان این رؤیا شوند.^۲ شور و شغف و البته حیرت خود را از دیدن این خواب با مصرعی از یکی از قصاید انوری بیان می‌کند: آن که می‌بینم به بیداری است یارب یا به خواب.^۳ و رؤیای او بدین ترتیب آغاز می‌شود.

پردهٔ دوم: ظهور فرشتهٔ حریت

«حریت» یکی از جدی‌ترین مفاهیمی است که نامق کمال در جهت معرفی آن به ادبیات سیاسی عثمانی تلاش کرد. انتشار روزنامه‌ای در لندن با نام حریت از جلوه‌های بارز این دغدغهٔ او بود. این مفهوم در متن رؤیا نمود مشخصی پیدا کرده است، زیرا افزون بر این که حریت از دغدغه‌های محوری نامق کمال بود، در این مقطع در تبعید هم به سر می‌برد. رؤیای نامق کمال از این نقطه آغاز می‌شود. در حالی که دهشت‌زده در میان صحرایی است بانویی زیبارو و دل‌انگیز از میان ابرها جلوه می‌کند و او را در بهت و حیرت فرو می‌برد.^۴ این نخستین دیدار نامق کمال با این فرشته است؛ اما قاعدتاً سال‌هاست نامق کمال با دغدغهٔ آزادی روزگار خود را می‌گذارند. از این رو او نمی‌تواند غریبه‌ای ناآشنا باشد و نویسنده میان خودش و او احساس آشنایی و انس می‌کند. نامق کمال درمی‌ماند که آن بانو «پری» یا فرشته است؟ دیدن این صحنه که فرشته زنجیرها را از دست و پای رهگذران باز می‌کند تردید نامق کمال را به اطمینان تبدیل می‌کند که فرشته، «تمثال سماوی حریت» است.^۵

1 Kemal, Namık, *Rüya*, ss. 251-253, in: Kaplan, Mehmet, Engingün, İnci, Birol, Emel (1993), *Yeni Türk Edebiyatı Antolojisi*, İstanbul, 2.baskı, Marmara Üniversitesi.

2 Kemal, *Rüya*, s. 254.

۳ این مصرع مطلع قصیده‌ای از انوری است: این که می‌بینم به بیداری است یارب یا به خواب/ خویشتن را در چنین نعمت پس از چندین عذاب. نک: محمدین محمد انوری (۱۳۶۴)، *دیوان انوری*، تصحیح سعید نفیسی، بی‌جا: انتشارات سکه و پیروز، صص ۱۷-۱۸.

4 Kemal, a.g.e. ss. 254-255.

5 Aynı, s. 255.

قاعدتاً این نماد از منظر نامق کمال منشأ خوبی و حسن به شمار می‌رود و عذار چون مهی دارد. دختر بلندبالا، «تندرست»، با چهره‌ای نورانی و باطراوت که به «نوبهار» می‌ماند از تعبیرهایی است که نامق کمال برای وصف فرشته به کار برده است. او در قالب وجهی ادیبانه تنانگی^۱ فرشته را توصیف می‌کند تا به گونه‌ای بیانگر تصویر ذهنی خود از آزادی باشد. بر لبان این فرشته «لبخند صبحگاهی» نشسته است و زیبایی‌اش برانگیزاننده حیرت است. قلم نامق کمال به شور می‌آید و تعلق خاطرش به آزادی را در قالب شعری بروز می‌دهد. در این شعر نامق کمال خود را «اسیر عشق» به حریت می‌داند اگرچه از دیگر بندهای اسارت رها شده است و در مصرعی از شعر خطاب به حریت می‌نویسد: جمالت تا ابد از دیدگان امت دور مباد!^۲

پرده سوم: نقد جامعه از زبان فرشته حریت

حریت اگرچه در قالب بانوی زیبارویی جلوه می‌کند، اما قاعدتاً با توجه به اوضاع عثمانی در مقام نقد نمی‌تواند زبان لطیفی در کام داشته باشد؛ زبان تلخ و عتاب‌آلودی که در کام «ملک حریت»^۳ احمد آقایی هم هست.^۴ از این به بعد فرشته حریت زبان به سخن می‌گشاید و در واقع سخنان او بازتاب ذهن دغدغه‌مند نامق کمال و البته زبان و قلم پرشور و عاطفی اوست. فرشته حریت مردم را با عبارتهایی خطاب قرار می‌دهد که آینه قلم عصیان‌گر نامق کمال است که در آثارش هویداست. در وضعیتی که «بیش از نیمی از انبای وطن» گرد هم آمده بودند و «ازدحام عظیمی» شکل گرفته بود، ناله‌های نامق کمال بر زبان حریت جاری می‌شود. حریت به بالای صخره رفته و با نگاهی «غضب‌آلود» و حتی «تحقیرآمیز» به اطراف مخاطبان خود را درهم می‌کوبد.^۵

با عنایت به وضعیت بحران‌زده عثمانی فرشته حریت با زبانی عتاب‌آلود و طغیانگر سخنان خود را خطاب به مردم آغاز می‌کند. کلام او با لحن تند و تلخ و بهره گرفتن از عناوینی چون «خوابیدگان غفلت»، «مألوفان سفالت»، «تزلزل‌پرستان اسارت»، «مرتکبان هر مذلت» برای مردم شروع می‌شود تا نامق کمال پیکان انتقاد را افزون بر ساختار قدرت به سوی مردم هم

۱ مراد از تنانگی در اینجا سیمایی است که نویسنده از جسم و تن فرشته ترسیم می‌کند.

۲ Ayni.

۳ Hürriyet Meleği

۴ Ağaoğlu, Ahmet (1930), *Serbest İnsanlar Ülkesinde*, İstanbul, Sanayii Nefise Matbaası, s. 127.

۵ Kemal, Namık, *Riyya*, ss. 255-256.

بگیرد و برای بیداری‌شان از «خواب غفلت» تلاش کند.^۱ بنا به تعبیر حریت، چشم‌های مردم بسته است که در واقع حکایت از ناآگاهی و غفلت مردم دارد. او مردم را چنین خطاب قرار می‌دهد که: تا کی می‌شود چشم‌ها را بسته نگه داشت؟ روزی که ممکن است روز محشر باشد بندگان در برابر خداوند باید چشمانشان را باز کنند. فرشتهٔ حریت همچنان ادامه می‌دهد که: در آن روز دیگر نمی‌شود «قید اسارتی» که بر گردن مردم هست را در برابر خداوند پنهان کرد. نامق کمال به خوبی از وضعیت مردم و حقوقی که از آنها پامال شده و مالی که به یغما رفته مطلع است، بی‌سبب نیست که مردم را فرامی‌خواند تا در این وضعیت اندیشه کنند و از خواب غفلت بیدار شوند.^۲ برای او که تعلق خاطر مشخص و بارزی به نوشتن داشت، قاعدتاً جایی که آزادانه می‌توانست بنویسد جهان خوشایندتری بود؛ تجربه‌ای که در لندن آن را حس کرده بود.^۳ حال دست‌کم در مقام رؤیا می‌توانست با مردم آزادانه سخن بگوید و آن را به نگارش درآورد.

مردم به تعبیر حریت حقارت کشیده‌اند و سنگینی این حقارت در پیشگاه خداوند و در «ترازوی قیامت» آشکار است. این وجه ایدئولوژیک در جای‌جای رؤیا جلوه می‌کند و فرشته حریت مردم را «خوابیدگان غفلت» می‌داند که از «آثار رحمت صانع قدرت» که در همه جا گسترده شده غافل‌اند. حریت چشم‌ها را ظاهراً باز اما در واقع خوابیده توصیف می‌کند و آنها را خطاب قرار می‌دهد که: با وجود تولد با دو چشم به اندازهٔ «رؤیای یک کودک علیل» هم چشمشان رو به حقیقت باز نیست. خطاب به صورت مداوم با نکوهش همراه است. عبرت گرفتن، اندیشیدن به سعادت، دانستن قدر خود و در نهایت «مرد» شدن مضامین برخی از این پرسش‌هاست، بدین معنا که مردم چه زمانی می‌خواهند به این مضامین بیندیشند و برسند؟^۴

اندیشهٔ ترقی یکی از وجوه بارز دستگاه فکری نامق کمال است که بیانگر تأثیرپذیری او از سپهر فکری اروپاست. اقامت نامق کمال در اروپا و به‌ویژه انگلستان اسباب فراهم شدن مقدمهٔ این اندیشه برای او شد. تأملات او در این باره در نوشته‌های مختلف‌اش به‌ویژه در روزنامهٔ عبرت و حریت جلوه یافت. تمجید از ساختارهای موجود در غرب و انتقاد از

1 Ayni, ss. 256-257.

2 Ayni, s. 256.

3 Menemencioğlu, op.cit. p. 43.

4 Ayni, s. 257.

عثمانی دو وجه این اندیشه است که در آثار نامق کمال جلوه پیدا می‌کند. نظام آموزشی، سیستم بخار و برق در انگلستان برای او جلوه دارد و عثمانیان را به تعمق در تاریخ اروپا و رخدادهای آن فرا می‌خواند. در وجه دیگر نامق کمال ضرورت احیای کشاورزی و کارخانه‌های بومی و نیز رشد صنایع وطنی را در کانون توجه قرار دهد شاید بتوان به واسطه آن به توسعه عثمانی امید بست. او همچنین بر فراهم کردن خدمات شهری برای شهروندان تأکید می‌کند و بر این باور است که باید به دنبال پرورش استعدادها در سراسر عثمانی بود.^۱

از این دریچه به رؤیای نامق کمال نگاهی می‌اندازیم. او خطاب به مردم عنوان می‌کند در حالی که جهان به سمت «کعبه کمال» مستقیم و شتابان پیش می‌رود، چگونه آنها در سکون به سر می‌برند و همچون درندگان شکارشان را با دندان و چنگال به دست می‌آورند؟ فرشته حریت این را چیزی جز «عجز و حقارت» به شمار نمی‌آورد. به داوری فرشته حریت این مردم دچار چنان خمودگی و سستی شده‌اند که در نیمی از صحبت‌هایشان شکایت وجود دارد. همین سبب می‌شود تا محصول صحبت با آنها غلبه ناخوشی بر نومیدی بر شنونده باشد. مردم از وضعیت خود رضایتی ندارند؛ اما برای رهایی از این وضعیت تلاشی هم نمی‌کنند، زیرا عمدتاً به فکر حفظ وضعیت موجودند. او قلم را می‌شوراند و در این باره می‌نویسد:

«گویا می‌پندارید عالم حوادث برای شما مرکز سکون خواهد بود؟ هیئات!»^۲

نامق کمال ماندن در تاریخ گذشتگان را بیماری مهلکی می‌داند که نه تنها سودمند نیست، بلکه مخرب هم هست و معتقد است باید افزون بر گذشته به حال و آینده چشم دوخت. به باور او پایبند بودن به گذشته عثمانی و آثار آن مهم است اما به تنهایی کافی نیست، زیرا تنها به احیای گذشته می‌انجامد. در حالی که غرق شدن در گذشته به غفلت از پیشرفت می‌انجامد. جامعه‌ای هم که به فرزندان خود توجه نمی‌کند محکوم به نابودی است. به باور نامق کمال پرستش گذشته گونه‌ای اسارت است و قاعدتاً فرشته حریت هرگز ماندن در اسارت را شایسته انسان نمی‌داند. زمانی که فرشته حریت مردم را سرزنش می‌کند که در دنیا با گردن خم می‌گردند، در واقع به خمودگی و اسارت آنها اشاره می‌کند. قاعدتاً چنین مردمی به باور او نمی‌توانند به «علویت» تمایلی داشته باشند. این مردم نه تنها به تعالی گرایشی ندارند بلکه چشم‌هایشان هم پیوسته به زمین دوخته شده است.^۳

1 Mardin, op.cit, pp. 319-323.

2 kemal, Namık, Rüya, ss. 257-258.

3 Aynı, s. 260.

ضرورت اجتناب از توقف در گذشته یکی از جدی‌ترین مضمون‌های رؤیاست که می‌تواند جلوه‌ای از مبحث اندیشهٔ ترقی هم به شمار رود. نامق کمال یک چشم به حال و چشمی به آینده دارد و با تجربه‌ای که از جهان غرب و دستاوردهای آن به دست آورده است، آرزوی تحقق ترقی را برای عثمانی هم در سر می‌پروراند. آنجا که اشاره می‌کند: همهٔ «ابنای عالم» به آینده نظر دوخته‌اند اگرچه به صورت مستقیم نامی از مصداق‌ها نیاورده است اما در ذهن او غربی وجود دارد که گام‌های ترقی را برداشته و به آیندهٔ خود می‌نگرد. حال که چشم جهان به آینده دوخته شده است در عثمانی «نگاهی حسرت‌آمیز» به گذشته وجود دارد. فرشتهٔ حریت می‌کوشد به مردم بگوید نگاه به گذشته در جا زدن است و محصول آن چیزی جز حسرت نیست. برای این مفهوم از تمثیلی استفاده می‌کند و می‌نویسد: «به این بیندیشید که اگر نظر انداختن به گذشته لازم بود خداوند چشم را پشت سر خلق می‌کرد.» و با این مضمون و البته شماری پرسش‌ها کار آنها را بیهوده می‌انگارد. او از مردم می‌پرسد که در گذشته به دنبال چه می‌گردند؟ چگونه ممکن است دنبال حقیقت در عمر گذشته بود؟ وقتی زمان را نمی‌توان برگرداند چگونه می‌توان آن قدر بر آن تأکید کرد؟ حریت محصول بازگشت به گذشته را تنها پاره‌آثاری برجامانده از آن دوره می‌داند. با این اوصاف ماحصل این آثار که چیزی بیشتر از چند قطره جوهر بر پاره‌های پارچه نیست چه می‌تواند باشد؟^۱

انتقاد نامق کمال از پایبندی به سنت‌های گذشته تداوم می‌یابد و او مراجعهٔ مردم به مزارها را به پرسش می‌کشد. فرشتهٔ حریت خود را از مراجعه به قبرستان‌هایی که بجز استخوان‌های پوسیده در آن چیزی یافت نمی‌شود اظهار می‌کند و با لحن منتقدانه‌ای از آن سخن می‌گوید. به باور او این رفتار «اسلاف‌پرستی» است و پافشاری بیشتر بر چنین کنشی از ارزش گذشتگان هم می‌کاهد. قاعدتاً برای نامق کمال که از پیشروی مردم جهان به سمت آینده سخن می‌گوید پافشاری مردم بر گذشته جز «خواب غفلت» چیزی نیست. او قلم را بر این رفتار می‌شوراند و می‌نویسد: «تا کی می‌خواهید به قبرستان‌ها بروید و خاک را لمس کنید؟... سبحان الله العظیم چقدر مألوف حقارت و اسیر عادت شده‌اید؟». به باور نامق کمال پافشاری بر گذشته و حسرت بر آن ثمرهٔ دیگری نیز در بردارد و آن این است که چیزی برای عرضه به اخلاف باقی نمی‌گذارد که با آن یاد شوند. از این مردم جز نامی بر روی سنگ قبر در هیچ کجا نشانی باقی نخواهد ماند و طرفه اینکه همان مزارها هم ماندگار نیستند و از

1 Ayni, ss. 258-259.

برخی جز پاره سنگی باقی نمانده است.^۱

به باور نامق کمال باید هم از اسارت به گذشته رها شد و هم زمینه‌ای فراهم کرد که با نگاه به آینده و گرایش به تعالی مسیر متفاوتی را رقم زد. حریت خطاب به مردم با حیرت عنوان می‌کند که مگر می‌شود زنجیرهای پاره‌پاره از موهای او «خاطرریا» تر جلوه کند و رنگ زنجیر اسارت از چهره او زیباتر و صدای تلخ‌اش از صدای او لطیف‌تر باشد؟ حال با این اوصاف برای فرشته حریت جای تعجب و پرسش می‌شود که چگونه مردم تحمل نگاه کردن به او را ندارند، اما به راحتی جابجایی آهن‌هایی آویخته بر گردن و دست و پایشان را تاب می‌آورند. به هر حال باید برای تغییر وضعیت و هم و خیال را کنار گذاشت و از اسارت رها شد، زیرا در جهان باری سنگین‌تر از زنجیر اسارت وجود ندارد. البته ناگفته نماند که نامق کمال به گذشته عثمانی آگاه است و آن را دارای عظمت می‌پندارد. او مردم را به تعمق در دستاوردهای برخی از بزرگان همچون سلاطین، وزراء، علما و معاریف برجسته فرامی‌خواند اما در آن شرایطی که او سخن می‌گوید وضعیت تغییر کرده است، زیرا «دست استبداد» به میان آمده است.^۲

پرده چهارم: تحقق آرمان‌شهر

از تجربه جمهور افلاطون، آرمان‌شهر تامس مور، آتلانتیس فرانسیس بیکن و شهر زرین ولتر تا تبلور آرمان‌شهر در جهان اسطوره‌ای ایرانی و یا در آثار متفکرانی چون خواجه نصیرالدین توسی، سهروردی و فارابی تلاش انسان برای آفرینش جامعه‌ای عاری از کاستی در قالب «آرمان‌شهر» جلوه گر شده است.^۳ آموزه‌های فلسفی در جهان یونانی و میراث سنتی آرمان‌شهر در دوره‌های بعد در کنار بایسته‌های جهان جدید و بحران‌های زمانه قرار گرفت تا وجه دیگری از آرمان‌شهر جلوه کند که برخی نویسندگان همچون جورج اورول نماینده آن به شمار می‌روند. در این گونه از آرمان‌شهرنگاری که اصطلاحاً «پادآرمان‌شهر»^۴ نامیده می‌شود، با بدبینی واقع‌نگرانه و بیانی کنایی تصویری از یک جامعه اندوه‌زده و بسته ارائه می‌شود. اما

1 Ayni, s. 259-261.

۲ حریت غزته‌سی، «حب‌الوطن من‌الایمان»، شماره ۱، ۱۴ ایلول ۱۲۸۵، صص ۱-۲.

۳ نک: تامس مور (۱۳۸۷)، آرمان‌شهر، ترجمه داریوش آشوری، نادر افشار نادری، تهران: خوارزمی، مقدمه مترجم؛ حجت‌الله اصیل (۱۳۹۳)، آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی، تهران: نشر نی.

4 Dystopia.

در نهایت این جامعهٔ آرمانی در وجه مطلوب است که آثار بیشتری را به خود اختصاص داده تا نشان دهد انسان در دوره‌های مختلفی از جهان باستان تا کنون به دنبال تحقق این جامعهٔ مطلوب دست‌کم در مقام آرمان بوده است.

جامعه‌ای آرمانی و مطلوب که متفکران و بعضاً شاعران سودای تحقق آن را داشتند از سویی برآمده از جامعه‌ای بحران‌زده است. وقتی مجال تحقق این امر در جهان واقعی به بن‌بست می‌خورد در جهان خیال که مانعی وجود ندارد چرا به آفرینش آن پرداخت؟ از سوی دیگر این جامعهٔ آرمانی برآیند قلم کسانی است که دغدغهٔ تغییر و ایجاد وضعیت دیگرگونی با آنها همراه است و این دغدغه به خلقت جهانی از نو در عالم خیال می‌انجامد. رؤیای نامق کمال هم در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم و در زمان سلطنت سلطان عبدالعزیز نوشته شد که عثمانی به‌صورت جدی با بحران مواجه شده بود. بحرانی که با شکست‌های نظامی آغاز شده بود در این مقطع با وجود دوره‌های جدی اصلاحات که آخرین آنها عصر تنظیمات بود تغییر چندانی پدید نیامده بود. وضعیت اقتصادی عثمانی دچار رکود شده بود و این عثمانی را در موقعیت بحرانی قرار داده بود. یکی از جلوه‌های این موقعیت بحرانی وام‌های مکرری بود که از کشورهای خارجی در عصر تنظیمات گرفته شد تا شاید از دریچهٔ نگاه مردان تنظیمات راهکاری برای برون‌رفت از بحران‌های اقتصادی باشد که جنگ‌های کریمه به آن دامن زده بود. وضعیت سیاسی نیز با وجود صدور فرامین خط شریف گلخانه (۱۸۳۹) و نیز فرمان اصلاحات (۱۸۵۶) تغییر چندانی نکرده بود و بحران دامنه‌داری بر عثمانی سایه افکنده بود.^۱

نامق کمال در رؤیا بر وضعیت موجود می‌شورد و با قلم پرشور و عاطفی و روح ناسازگار خود با زمانه‌ای که آن را زیسته است به دنبال راهکار و شاید مرهمی می‌گردد بر دردهایی که «وطن» اش دارد و او آنها را بر نمی‌تابد. برای نالیدن از این وضعیت و در شرایطی که نامق کمال در تبعید به سر می‌برد، کجا بهتر از عالم رؤیا و چه نوش‌دارویی بهتر از آرمان‌شهر. نامق کمال در قالب رؤیا بیانگر وضعیت عثمانی در نیمهٔ دوم قرن عثمانی است. در رؤیا جز

۱ دربارهٔ وضعیت اقتصادی و نیز سیاسی بحرانی دورهٔ سلطان عبدالعزیز بنگرید به:

Temperley, Harold (1933), "British policy towards parliamentary rule and constitutionalism in Turkey (1830-1914)", Cambridge Historical Journal, Vol. 4, No.2, p. 168; Kuran, Ercumend (1980), "La politique d'Abdulhamid II dan la crise d'Orient (1876-1878)", Revue d'histoire moderne et contemporaine (1954), T. 27e, No. 1, Aspects de la crise d'Orient (1875-1878), Jan- Mar, p. 37; Karal, Enver Ziya (2007). *Osmanlı tarihi*, VI. Cilt, *Islahat Fermani Devri (1856-1861)*, Ankara: Türk Tarih Kürümü, 8. Baskı, s. 205; Karal, Enver Ziya (2007), *Osmanlı tarihi*, VIII. Cilt, *Birinci Meşrutiyet ve İstibdat devirleri (1876-1907)*, Ankara: Türk Tarih Kürümü, 8. Baskı, ss. 427-428.

اینکه نویسنده از سانسور حاکمیت می‌رهد می‌تواند تصویرگر جامعه آرمانی باشد که ظهورش در واقعیت امکان‌پذیر نیست. با نوشته شدن رؤیای نامق کمال و اثری از ضیاء پاشا با همین نام گونه‌ای آرمان‌شهر در نوشته‌های متفکران عثمانی رونق گرفت که پیش‌تر به این صورت رایج نبود. این رؤیاهای سیاسی متن‌هایی برآمده از اندیشه نقادانه نویسندگان آنان نسبت به ساختار قدرت و جامعه وقت بودند. رؤیای نامق کمال نقدی پرشور از ساختار قدرت و نیز جامعه وقت عثمانی است. با نزدیک شدن به صبح، «عمران زمینی» نامق کمال محقق می‌شود. پس از خاتمه مرحله نخست که همراه با نهیب و سرزنش‌های پرشور فرشته حریت به مردم است مرحله دوم آغاز می‌شود که نامق کمال از زبان فرشته حریت تلاش می‌کند نتیجه تلاش مردم جهت تغییر وضعیتشان را نشان دهد. نتیجه‌ای که فرشته حریت عنوان می‌کند در واقع بازتاب آرمان‌شهری است که نامق کمال دارد و آرزوی تحقق آن در همه عمر او را رها نکرد. آرمان‌شهر نامق کمال از یک سو در بردارنده جلوه‌های عینی تجدد است؛ جلوه‌هایی که برای بسیاری از متفکران جهان اسلام به صورت جدی مطرح است. از سوی دیگر مصادیق ذهنی و فکری از تجدد را هم در برمی‌گیرد و از تحقق مفاهیمی سخن می‌گوید که او در آثار خود برای معرفی آنها به ادبیات سیاسی عثمانی تلاش فراوانی از خود نشان داد.

از جلوه‌های عینی تجدد در آرمان‌شهری نامق کمال شهرهای ثروتمند، قریه‌های امن و خانه‌های مستحکم است. در این تصویر روستاها همچون کاخ‌ها مزین و خانه‌ها همچون قلعه‌ها مستحکم‌اند. در جهان مطلوب او راه‌آهن، جاده‌های عادی و نهرها وجود دارند و گسترش می‌یابند. جدول‌ها به کثرت رگ‌های بدن و وسائط نقلیه به وفور در آن دیده می‌شود و شهرها و راه‌ها روشن‌اند. تلگراف جلوه دیگری از تجدد است که نامق کمال آن را در شرایط بسیار مطلوبی متصور می‌شود. در این تصویر در مخابره هم آزادی کامل وجود دارد و هر کس بخواهد در خانه‌اش می‌تواند تلگراف داشته باشد و با هر زبان و با هر کس که بخواهد صحبت کند. افزون بر تلگراف، شرایط برای آنها به گونه‌ای محقق است که در هر خانه‌ای نیازها و لذت‌ها به قدر کافی تأمین می‌شود و مردم می‌توانند از امکاناتی چون «مکتب» و «دارالکتب» هم بهره‌مند شوند.^۱ حال آرزوی نامق کمال این است که در سایه چنین وضعیتی «رفاه خلق» حاصل شود.^۲ به هر حال نامق کمال متأثر از ابراهیم شناسی به مسائل

۱ ترویج معارف یکی از دغدغه‌های مهم نامق کمال و از نظر او راهکاری برای برون‌رفت عثمانی از بحران بود. نک:

Kemal, Namık, "Vatan", in: *Yeni Türk Adebîyatı Antolojisi*, s. 227.

۲ Kemal, Namık, *Rüya*, s. 265.

مردم همچون آموزش همگانی و امکانات رفاهی همچون بیمارستان باورمند بود.^۱ جلوه‌های ذهنی و فکری تجدد وجه دوم آرمان‌شهر نامق کمال است. نامق کمال در سراسر آثار خود تلاش فراوانی برای طرح مفاهیم جدید کرد. ضرورت بسط آموزش یکی از مسائلی است که جهت تحقق تجربهٔ ترقی غرب در عثمانی برای نامق کمال اهمیت داشت. برای مردمی که نامق کمال به ضرورت تربیت آنها تأکید دارد و در رؤیا هم از تربیت نیافتن آنها گله می‌کند قاعدتاً وجود مکاتب از آرزوهایی است که آرمان‌شهرش از آن بی‌نصیب نیست. افزون بر این مفهوم وطن به‌عنوان یکی از کانون‌های اندیشه‌ای نامق کمال در رؤیا هم در مرکز توجه قرار می‌گیرد. وطن همواره از دغدغه‌های جدی نامق کمال است که در روزنامهٔ حریت، عبرت و یا در برخی اشعار وطنی بروز یافت.^۲ در آرمان‌شهر نامق کمال هر کس حاضر به فداکاری در راه وطن است. خودمحموری و دغدغهٔ صرف انباشتن شکم در آرمان‌شهر جای خود را به کنشی می‌دهد که از فداکاری نسبت به وطن حکایت دارد. ماحصل تغییر وضعیت در آرمان‌شهر این است که «انای وطن» هر کدام «اندازهٔ جهانی» بزرگ می‌شوند و رشد می‌کنند و به این ترتیب قدرت غلبه بر طبیعت عالم را به دست می‌آورند. همچنین مردم دیگر و کلایی دارند که از سوی آنها سخن می‌گویند. ناگفته نماند نامق کمال جدی‌ترین نظریه‌پرداز قانون و پارلمانتاریسم در میان نوعثمانیان بود. وی همواره دغدغهٔ یافتن دلایل انحطاط عثمانی را با خود داشت و آن را عمدتاً در دلایل سیاسی و اقتصادی می‌دید.^۳ بروز بیرونی آن مجموعه مقاله‌هایی با نام اصول مشورت بود که در روزنامهٔ حریت به چاپ رسید. او در این مجموعه از ضرورت توجه به ارادهٔ مردم و ضرورت اعمال حق حاکمیت آنها سخن گفت.^۴ همچنین آرمان‌شهر نامق کمال جایی است که عدالت هم در آن محقق می‌شود؛ دغدغه‌ای که همواره با این متفکر همراه بود.^۵

نامق کمال از همان اوان زندگی به برکت پیشهٔ نیاکان و پدرش از وضعیت ساختار قدرت عثمانی آگاه بود. دانش آموخته بود و به واسطهٔ مطالعهٔ نظام‌های سیاسی جهان و البته

1 Menemencioğlu, op.cit, p. 32.

2 Kemal, Namık, *Vatan Marsiyesi* in: *Yeni Türk Adebîyatı Antolojisi*, ss. 169-175; Kemal, Namık, "Vatan", ss. 222-227.

نیز نک: حریت غزته‌سی، «حب الوطن من الایمان»، نومرو ۱، ۱۴ ایلول ۱۲۸۵، ص ۱.

3 Berkes, Niyazi (1988), *The development of secularism in Turkey*, London: C. Hurst & Co. p. 209.

۴ حریت غزته‌سی، نومرو ۱، ۱۴ ایلول ۱۲۸۵، صص ۵-۶.

۵ حریت غزته‌سی، نومرو ۶، ۲۶ تشرین اول ۱۲۸۵، ص ۸.

شناخت از وضعیت عثمانی در آن مقطع می‌دانست این آرزوها تنها در آرمان شهر شدنی‌اند و سازوکارهای عالم واقعیت دارای وجوه جدی است. نه در زمان سلطنت سلطان عبدالعزیز که سلطانی ناکارآمد بود و نه حتی در زمان سلطان عبدالحمید دوم که آخرین سلطان مقتدر عثمانی بود، «وطن» او از این وضعیت بحران‌زده عبور نکرد و جامعه عاری از کاستی که او به دنبالش بود، محقق نشد.

پرده آخر: پایان رؤیا، آرامش نامق کمال

فرشته حریت به همان شکل که آمده بود آهسته آهسته آماده عزیمت می‌شود و در ابری فرو می‌رود که از آن برآمده بود. در حین رفتن شعری با تارهایی از نقره در کنارش نقش می‌بندد؛ شعری که نشانی از خرسندی نامق کمال دارد و بیانگر امید او به تغییر وضعیت عثمانی است. در واقع نامق کمال این شعر را بدرقه راه حریت می‌کند.^۱ پس از آن و با آن «خیالات روح پرور» از خواب بیدار می‌شود. او از این رؤیا خرسند شده و به قول خودش «سودازده انبساط» شده است. به طوری که چشمانش را ساعت‌ها بسته و تلاش می‌کند شاید بتواند بار دیگر رؤیا را ببیند. رؤیا را نمی‌بیند، اما «بزرگ‌ترین سرمایه عمرش» را به دست آورده و از تماشای این «تصویرات روح پرور» شادمان است.^۲ البته دیگر نیازی هم به دیدن آن رؤیا نداشت. حرف‌هایش را که در دوره تبعید در دلش انباشته شده و آرزوهایی که برای عثمانی بحران‌زده وقت داشت، در رؤیا عنوان کرده بود و حالا دیگر زمان بازگشت به جهان واقعیت فرارسیده بود؛ واقعیتی که نه راهکارهای نامق کمال برای نجات «وطن» و نه پوشش ترکان جوان در آغاز آن را تغییر نداد و در نهایت این شکل‌گیری ترکیه جدید بود که فصل جدید و متمایزی از حیات ملت ترک را رقم زد. در زیست‌بوم جدید، مفهوم عثمانی به تاریخ پیوسته بود. رؤیا تا سال ۱۹۰۸ م. که مطبعه اجتهاد در مصر آن را چاپ کرد، منتشر نشد. در این زمان هم عثمانی همچنان در حسرت تحقق آرمان‌شهرهایی از این دست بود تا شاید «مرد بیمار» را از مهلکه نجات دهد. دست کم تا مدتی پس از صدور فرمان مشروطه دوم همچنان امیدهایی به تحقق این آرمان شهر بود، اما تداوم استقلال‌خواهی‌های داخلی، جنگ‌های خارجی، به بن‌بست رسیدن مفهوم عثمانی‌گرایی و تبعات جنگ جهانی اول به مرور آن را

1 Yed-i hüriyetindir râyet-i ikbâl-i Osmanî / Bihamdillâh erişti devr-i istikbâl-i Osmanî.

2 Rûya, s. 266.

کم‌رنگ کرد و در نهایت این ترکان جوان بودند که با ایجاد تغییری در روند نخستین خود از عثمانی‌گرایی و ضرورت وحدت مردم عثمانی به سمت ضرورت نجات ترکیه رفتند و محصول آن ترکیهٔ جدید به رهبری مصطفی کمال آتاتورک بود.

نتیجه‌گیری

شکست‌های عمدتاً نظامی سبب شد تا تلاش برای غلبه بر وضعیت بحرانی در دو زمینهٔ تلاش کارگزاران سیاسی و تکاپوی متفکران جلوه‌گر شود. عثمانی قرن نوزدهم با شکل گرفتن تنظیمات و ظهور نوعثمانیان هم‌دربدارندهٔ خیزش کارگزاران سیاسی و هم شاهد نخستین جریان منسجم فکری برای بهبود شرایط عثمانی بود. در میان نوعثمانیان نامق کمال برجسته‌ترین متفکری بود که با گونه‌های متنوعی از آثار و نیز درون‌مایه‌های نو به طرح مفاهیم جدید در ادبیات سیاسی عثمانی پرداخت. افزون بر کتاب *تاریخ عثمانی*، روزنامه، شعر، رمان و نمایش‌نامه، نامق کمال دارای اثری به نام *رؤیاست* که کمتر مورد توجه بوده است. رؤیای سیاسی که با این اثر و نیز اثری با همین نام از ضیاء‌پاشا در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم به صورت جدی پا گرفت، از یک سو برآیند سپهر سیاسی عثمانی وقت بود و از سوی دیگر آرمان‌شهری را تصور می‌کرد که در آن نویسنده در جهان واقعی به خاطر شرایط پیچیده قادر به تحقق آن نبود. رؤیای نامق کمال در زمان سلطان عبدالعزیز و زمانی که او در تبعید به سر می‌برد، به رشتهٔ تحریر کشیده شد و بیان دغدغه‌های نامق کمال و نیز راهکار او برای برون‌رفت عثمانی از بحران است. در این رؤیا، نخست فرشتهٔ حریت، زبان سخنگوی نامق کمال است در نقد مردمی که بر گرد او جمع شده‌اند و به خمودگی، ماندن در گذشته، بی‌توجهی به حال و آینده، نبود آموزش و تربیت در سطح جامعه، محافظه‌کاری و رضایت به شرایط حال و به تبع آن تلاش نکردن برای تغییر دچار هستند. مرحلهٔ پس از این نقدها بروز بیرونی سودای نامق کمال برای بساختن جامعه‌ای آرمانی است. تلاش نامق کمال جهت نجات عثمانی بحران‌زده از حصار تنگی که گرفتارش آمده، در آرمان‌شهری جلوه می‌کند که همهٔ نقدهای مذکور در آن وجه دیگرگونی می‌یابند و عثمانی در قامت سرزمینی آباد با مردمانی آگاه جلوه می‌کند. در این قسمت تجدد از هر دو منظر عینی و اندیشه‌ای که بروز بیرونی آرمان‌های این متفکر عثمانی است جلوه می‌یابد. جلوه‌های عینی تجدد چون شهر، جاده، راه، راه‌آهن، مکتب و تلگرام و جلوه‌های ذهنی و اندیشه‌ای تجدد همچون توسعهٔ دانش

مردم، دوری از خمودگی و تلاش برای تغییر از سوی آنها، توسعه آموزش، عدالت و وجود وکلایی از سوی مردم از آرمان‌های مطرح شده نامق کمال است. بدین ترتیب نامق کمال در قالب یک رؤیا به بیان اندیشه‌های خود می‌پردازد؛ نخست غم و اندوه ناشی از وضعیت عثمانی در قالب زبان عتاب‌آلود و همراه با خشم و غضب و سرزنش فرشته حریت جلوه می‌کند و ناله‌ها سر می‌دهد و در مرحله دوم به طرح هر آنچه برای او در واقعیت عثمانی محل دغدغه است می‌پردازد و به تصویر آرمان شهری می‌پردازد که دیگر برای عثمانی دیر بود و آخرین راه نجات آن شکل‌گیری ترکیه جدید بود؛ نکته‌ای که اگرچه ترکان جوان در آغاز آن را درنیافتند، اما به مرور به سمت آن سوق یافتند و زمینه برآمدن مصطفی کمال آتاتورک و ظهور ترکیه نوین را فراهم کردند.

منابع و مآخذ

- اصیل، حجت‌الله (۱۳۹۳)، *آرمانشهر در اندیشه ایرانی*، تهران: نشر نی.
- انوری، محمدبن محمد (۱۳۶۴)، *دیوان انوری*، تصحیح سعید نفیسی، بی‌جا: انتشارات سکه و پیروز.
- اینالچق، خلیل (۱۳۸۸)، *امپراتوری عثمانی، عصر متقدم ۱۳۰۰ تا ۱۶۰۰*، ترجمه کیومرث قرقلو، تهران: انتشارات بصیر.
- ---- و سیددانی اوغلو، محمد (۱۳۹۱)، *امپراتوری عثمانی در عصر دگرگونی تنظیمات*، ترجمه رسول عربخانی، تهران: انتشارات پژوهشکده تاریخ اسلام.
- حضرتی، حسن (۱۳۸۹)، *مشروطه عثمانی*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- راس، لرد کین (۱۳۷۳)، *قرون عثمانی*، ترجمه پروانه ستاری، تهران: انتشارات کهکشان.
- رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۷۴)، *ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم*، تهران: انتشارات ستوده.
- صالحی، نصرالله (۱۳۹۱)، *تاریخ‌نگاری و مورخان عثمانی*، تهران: انتشارات پژوهشکده تاریخ اسلام.
- شاو، استانفورد جی و کورال، ازل (۱۳۷۰)، *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید*، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- لویس، برنارد (۱۳۸۱)، *ظهور ترکیه نوین*، ترجمه محسن علی سبحانی، تهران: اطلاعات.
- ---- (۱۳۸۱)، *خاورمیانه*، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نشر نی.
- مروی، محمد کاظم (۱۳۷۴)، *عالم‌آرای نادری*، به تصحیح محمدامین ریاحی، تهران: انتشارات علمی، نشر علم.
- مور، تامس (۱۳۸۷)، *آرمان‌شهر*، ترجمه داریوش آشوری، نادر افشار نادری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- هامر پورگشتال (۱۳۶۹)، *تاریخ امپراتوری عثمانی*، ترجمه میرزازکی علی‌آبادی، به اهتمام جمشید

کیان فر، تهران: انتشارات زرین.

- حریت غزته‌سی (بی‌تا)، نومرو ۱ / نومرو ۶، بی‌جا: بی‌نا.
- مخبر غزته‌سی (بی‌تا)، نسخه ۱۹، بی‌جا: بی‌نا.
- Aĝaoĝlu, Ahmet (1930), *Serbest İnsanlar Ülkesinde*, İstanbul, Sanayii Nefise Matbaası.
- Bağcı, Sena Tekin, “Namık Kemal’in Rüyası”, *Hikmet Yurdu*, Yıl: 5, Sayı: 10 Temmuz-Aralık 2012/2, ss. 275-300.
- Berkes, Niyazi (1988), *The development of secularism in Turkey*, London: C. Hurst & Co.
- Çadırçı, Musa (1991), “Namık Kemal’in sosyal ve ekonomik görüşleri”, *OTAM*, sayı 2, Ankara, ss. 47-48.
- Davison, Roderic H. (1963), *Reform in Ottoman Empire (1856-1876)*, Princeton University Press.
- Guida, Michelangelo (2011), “Al-Afghani and Namık Kemal's Replies to Ernest Renan: Two Anti-Westernist Works in the Formative Stage of Islamist Thought”, *TJP (Turkish Journal of Politics)*, Vol. 2. No. 2. Winter 2011, pp. 57-70.
- Kaplan, Mehmet, Engingün, İnci, Birol, Emel (1993), *Yeni Türk Edebiyatı Antolojisi II*, İstanbul, 2.baskı, Marmara Üniversitesi.
- Karpat, Kemal (2002), *Studies on Ottoman social and political history; selected articles and essays*, Brill.
- Karal, Enver Ziya (2007), *Osmanlı tarihi, VI. Cilt, Islahat Fermani Devri (1856-1861)*, Ankara: Türk Tarih Kürümü, 8. Baskı
- Karal, Enver Ziya (2007), *Osmanlı tarihi, VII. Cilt, Islahat Fermani Devri (1861-1876)*, Ankara: Türk Tarih Kürümü, 8. Baskı.
- Karal, Enver Ziya (2007), *Osmanlı tarihi, VIII. Cilt, Birinci Meşrutiyet ve İstibdat devirleri (1876-1907)*, Ankara: Türk Tarih Kürümü, 8. Baskı.
- Kemal, Namık, “İbret”, *İbret gazetesi*, No. 3, 11 Rebiulahir 1289/5 Haziran 1288, ss. 48-49.
- Kemal, Namık, “Terakki”, *İbret gazetesi*, no. 45, 3 Ramazan 1289/23 teşrin-i evvel 1288, s. 216.
- Kemal, Namık, “Sanat ve ticaretimiz”, *İbret gazetesi*, No. 57, 19 Ramazan 1289/8 Teşrin-i sani 1288, s. 279.
- Kemal, Namık, “Vatan”, in: *Türk Edebiyatı Antolojisi*, ss. 222-227.
- Kuran, Ercumend (1980), “La politique d’Abdulhamid II dan la crise d’Orient (1876-1878)”, *Revue d’histoire modern et contemporaine* (1954), T. 27e, No. 1, Aspects de la crise d’Orient (1875-1878), Jan- Mar.
- Mardin, Şerif (2000), *The genesis of Young Ottoman thought*, Syracuse University

Press;

- Menemencioglu, Nermin, "Namık Kemal abroad: A Centenry", *Middle Eastern Studies*, Vol. 4, No. 1(Oct., 1967), p. 29-49;
- Necdet Hayta(2002),*Tasvir-i Efkar Gazetesi*, Ankara: *Türk .Tarih Kürümü*, birinci baskı;
- Ömer Faruk Akün, "Şinasi", *İslam Ansiklopedisi*, c.11, ss. 545-553;
- Sançar, Nejd, "Ziya Paşa'nın eserleri ve eserlerinin çeşitli basımları", *Türk Kütüphaneciler Derneği Bülteni*, Cilt. 7, sayı 1, ss. 1-14.
- Siler, Abdurrahman, "Namık Kemal'in iktisadi görüşleri", *Türkler Ansiklopedisi*, Cilt 14 ss. 656-664.
- Temperley, Harold (1933), "British policy towards parliamentary rule and constitutionalism in Turkey (1830-1914)", *Cambridge Historical Journal*, Vol. 4, No.2.
- "Texte de la lettre adressée à S.M le Sultan par S. M. le prince Moustapha Fazil - Pacha écrite en Mars 1867"[Voir Marcel Colombe, "Une lettre d'un prince égyptien du XIXe siècle au Sultan Ottoman Abd al Aziz" *Orient* 5(1958): 23-38].
- Tansel, F.A. (?) "Mehmet Namık Kemal", *EI2*, Vol. 4. pp. 875-879.
- Kemal, Namık, *Vatan Marsiyesi* in: *Yeni Türk Adebîyatı Antolojisi II*, 169-175.
- Tefik, Ebüzziya, "Yeni Osmanlılar tarih'den", in ss. 599-618;
- Yürek, Hasan, "Namık Kemal ve Ziya Paşanın Rûraları", *Türk Dünyası İncelemeleri Dergisi*, XIII/2 (Kış 2013), s. 249-263.